

مبنا و ماهیت حقوقی تصفیه دوستانه خسارتها

از: دکتر محمود صالحی

سازمان و مدیریت» آن است زیرا به طور اصولی و منطقی، همانگونه که بیمه گر به راحتی تبلیغ می کند وجوه حق بیمه ها را دریافت می نماید، می باید به هنگام اعلام خسارت، کارشناسی و تصمیم گیری نسبت به انجام تعهد خود (قبول یا رد خسارت) نیز مهارت و سرعت عمل که لازمه قطعی کارهای بازرگانی است نشان دهد و از تأخیر و سرگردانی و پریشانی مشتریان و مراجعان خود و هدر دادن وقت و پول و انرژی خود و آنان بپرهیزد.

آشکار است که کار تصفیه خسارتها به اقتضای سرشت خود مستلزم اعلام خسارت به موقع از سوی بیمه گذاران، بازدید و کارشناسی و تحقیق و گردآوری اسناد و مدارک لازم و بررسی تضمین بیمه ای به منظور حصول اطمینان از تحقق خطر موضوع بیمه است و گذراندن این مراحل البته محتاج صرف وقت می باشد اما نباید فراموش کرد که در عمل ممکن است به علت ضعف مهارت فنی، ازدیاد تشریفات رسیدگی و ضعف «اخلاق کار» تصفیه خسارتها (قبول یا رد خسارت) ماهها به درازا بکشد و مشتریان و مراجعان را ناراحت و خشمگین و متنفر سازد. بی گمان «کاغذبازی»، عدم مهارت برخی متصدیان و بدی سرویس برخی از بیمه گران به شهرت بیمه در جامعه لطمه می زند.

راستی منصف باشیم چه دلیل دارد که کسی پس انداز خود را به صورت «حق بیمه» به یک شرکت بیمه بدهد و برای خود عذاب و سرگردانی بخرد؟! البته ناگفته نگذاریم که شماری از بیمه گذاران و مراجعان خسارت، نیز گاهی توقعهای بی مورد و بیجائی دارند و یا تصور و انتظاری نارسا و نادرست از بیمه دارند و یا آن که از تعهدها و

جبران خسارت هدف فرجامین بیمه های غرامتی و تعهد بنیادین بیمه گران است. این تعهد ناشی از خصلت و سرشت قراردادهای بیمه می باشد که آنها از دیگر قراردادهای متمایز می سازد.

درواقع قرارداد بیمه به ویژه در بیمه های اموال و بیمه های مسئولیت مدنی یک قرارداد جبران گر و ترمیم کننده است. بنابراین تصفیه خسارتها چیزی جز اجرای شرایط قرارداد بیمه نیست. درواقع آنچه بیمه گران در مرحله بستن قرارداد (یا صدور بیمه نامه) به گردن می گیرند، در مرحله خسارت می باید به موقع اجرا بگذارند.

به همین جهت تعیین نرخ و شرایط اختصاصی بیمه نامه از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا که آثار و پیامد آنها در مرحله خسارت نمایان و چه بسا گریبانگیر می شود! بدین جهت هرچه سازمان پذیرش و صدور بیمه نامه و تنظیم قراردادهای مجهزتر باشد و متصدیان صدور داناتر و ماهرتر باشند و در تنظیم شرایط دقت و صراحت بیشتری نشان دهند، کار تصفیه خسارتها آسانتر و بی دردسر می شود. به هر صورت شرکت های بیمه با پذیرش پیشنهاد بیمه گذار و صدور بیمه نامه هرروز میلیونها بلکه میلیاردها ریال تعهد و الزام قبول می کنند و به همین جهت برای پاسخگویی به این تعهدها می باید سرویس خسارت خود را نیز ماهرانه سازمان دهند و با بهره گیری از نیروی انسانی متخصص و ماهر و مجرب، آماده خدمتگرمی و انجام تعهدهای خود باشند.

ناهمسازی و ناهماهنگی میان قسمت دریافتها (صدور و دریافت حق بیمه) و قسمت پرداختها (سرویس تصفیه خسارت) علامت و نشانه «بیماری

شرایط قرارداد خود ناآگاهند.

میزان حقوق خود، تن به گذشت‌هایی می‌دهند و در برابر مبادله امتیازهایی به سازش می‌رسند. این عمل و کردار حقوقی را صلح یا مصالحه می‌نامند.

عقد صلح

از جهت واژه‌ای، صلح به معنای آشتی، توافق، سازش، مصالحه، تسامح، تسالم است ولی از دیدگاه حقوقی، صلح عبارت از عقد یا قراردادی است که به منظور رفع اختلاف موجود یا جلوگیری از اختلاف احتمالی و آتی، بین طرفهای مصالحه منعقد می‌شود. چنانکه قانون مدنی در ماده ۷۶۰ خود می‌گوید: «صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی یا در مورد معامله و غیر آن واقع شود»

بطوری که ملاحظه می‌شود قانون‌گذار ما در ماده فوق مفهومی وسیع و میدان عمل گسترده‌ای برای «عقد صلح» در نظر گرفته است زیرا نه تنها با انعقاد عقد صلح می‌توان «تنازع موجود یا تنازع احتمالی» را رفع نمود، بلکه با استفاده از عقد صلح می‌توان به انجام معامله نیز پرداخت. گرچه این گستردگی مفهوم ممکن است موجب تسهیل معامله‌های بسیاری بشود ولی در عمل گزینش عنوان صلح برای معامله‌هایی همچون بیع و هبه در پاره‌ای موارد ممکن است برای فرار از تشریفات ثبت املاک یا گریز از مالیات باشد به سخن دیگر ممکن است که افراد برای فرار از قانون یا انجام تقلب نسبت به قانون از عقد صلح به عنوان پوشش و حجابی برای پوشاندن مقاصد سوء خود بهره گیرند. به همین جهت در قانون مدنی برخی کشورها، مانند فرانسه (ماده ۲۰۴۴ ق-م) صلح دربرگیرنده قراردادی است که به موجب آن طرفهای قرارداد تنها برای پایان دادن به اختلاف خود یا جلوگیری از اختلاف احتمالی با یکدیگر سازش و تفاهم می‌کنند. درواقع هدف اصلی قرارداد صلح و ویژگی بنیادی آن، مصالحه و سازش در مورد حقوق و دعاوی و اعلام انصراف و انجام گذشت‌های متقابل است (رک به: حقوق مدنی، جلد سوم، ژولیو

به هر حال، تصفیه خسارتها به عنوان تمهد اساسی بیمه‌گر، مستلزم انجام یک رشته اعمال و گذراندن مراحل و به کار بردن مهارتها و تکنیک‌هایی است که در این مختصر نمی‌گنجد و ما، در فرصت دیگری آنرا مورد بحث قرار خواهیم داد. بطور کلی تصفیه خسارتها یا به طریق دوستانه صورت می‌گیرد و یا از طریق مراجعه به دادگستری و دادن دادخواست انجام می‌شود. درعمل، تصفیه خسارت از طریق دادگستری کمتر مورد پیدا می‌کند زیرا این کار موجب صرف وقت و نیرو و هزینه‌های دادرسی می‌شود و گاهی به شهرت بیمه‌گر نیز لطمه می‌زند. بنابراین تصفیه قضایی خسارتها جنبه استثنایی دارد و بیشترین خسارتها از راه مذاکره و توافق و سازش بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار تصفیه می‌شوند. درواقع هنگامی که در مورد میزان و مبلغ خسارت، یا در تفسیر و اجرای مواد قرارداد بیمه بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار اختلافی پیش می‌آید طرفهای اختلاف کوشش می‌کنند که موضوع مورد اختلاف و اعتراض را از راه مذاکره و قانع کردن یکدیگر حل و فصل نمایند تا ناچار به دادن دادخواست و طرح دعوا در دادگستری نشوند. دراین جستار ما کوشش داریم روشن کنیم که تصفیه خسارتها به شیوه‌ای دوستانه مبتنی بر کدام اصل حقوقی است و ماهیت این عمل و کردار حقوقی چیست؟

ماهیت حقوقی تصفیه دوستانه خسارتها

تصفیه خسارتها به طور دوستانه، گونه‌ای مصالحه یا سازش بین بیمه‌گر و بیمه‌گذار است بدین معنا که طرفهای اختلاف با در نظر گرفتن تمام جوانب قضیه، در جهت حفظ صلاح و صرفه خود تصمیم می‌گیرند که به جای مراجعه به دادگستری، خود به داوری بنشینند و از راه مذاکره و استدلال و ارائه سند و مدرک، مسئله مورد اختلاف خود را حل و فصل کنند به سخن دیگر دو طرف اختلاف از راه ارزیابی و سنجش حدود و

دولاموراندیر، دالوز - پاریس ۱۹۵۸) این موضوع در رابطه بین بیمه گران و بیمه گذاران دارای اهمیت شایان توجهی است زیرا از این نهاد یا ابزار حقوقی برای حل و فصل اختلافهای آنان استفاده فراوان می شود تا آنجا که بیمه گران در شرایط عمومی قراردادها (بیمه نامه ها) موادی زیر عنوان دآوری و مصالحه و توافق دوستانه می گنجانند تا از این راه به حفظ و بهبودی رابطه و پیوند خود با بیمه گذاران یاری نمایند هرچند که در برخی از بیمه نامه ها مانند بیمه نامه اتومبیل، بیمه نامه شخص ثالث و سایر بیمه های اموال بطور صریح بیمه گذار را از سازش و مصالحه با مسئول حادثه یا طرف اختلاف که به زیان بیمه گر باشد منع می کنند زیرا که این گونه سازشها ممکن است جنبه تبانی به خود بگیرند یا حق جانشینی بیمه گر را منتفی سازند.

به هر حال عقد صلح در خصوص حقوق مالی و اموال قابل انتقال و واگذاری به کار می رود و حقوق مربوط به اهلیت و احوال شخصی (حجر، حق ازدواج، حضانت، حق پداری یا حق مادری) یا اموال عمومی و دولتی قابل صلح و مصالحه نیستند.

خصیلت‌های عقد صلح

۱ - عقد صلح یک عقد معوض است. بدین معنا که هر یک از طرفهای مصالحه در مورد حقوق مورد ادعا یا اختلاف خود امتیازهایی رد و بدل می کنند تا به سازش برسند. با این همه صلح بدون عوض نیز در حقوق ما مجاز است چنانکه ماده - ۷۵۷ قانون مدنی می گوید: «صلح بدون عوض نیز جایز است» بنابراین کافی است که شخصی با ادای لفظ صلح مالی را به دیگری ببخشد یا حق انتفاع یا بهره برداری از ملکی را به دیگری واگذار کند اما گاهی نیز ممکن است طرفهای معامله از عنوان صلح و مصالحه به عنوان حجابی برای پوشاندن ماهیت و جهت معامله ها استفاده کنند (صلح محاباتی یا صلحی که یک طرف در مقابل عوض ناچیز و ساختگی، مال باارزشی را به دیگری می دهد و نفع مورد نظر را به دست می آورد.

این عمل نوعی حیلۀ قانونی است)

۲ - عقد صلح یک قرارداد با دو تعهد متقابل است: بدین معنا که طرفهای مصالحه متعهد به دان چیزی یا انجام گذشت های متقابلی می شوند با این همه در صلح بدون عوض تنها یک طرف مصالحه به تعهد خود (دادن مالی یا چیزی) عمل می کند.

۳ - آیا صلح یک عقد تشریفاتی است یا غیر تشریفاتی؟

چنین می نماید که این عقد دارای فرم خاصی نیست و بسنده است که به صورت نوشته درآید (صلح نامه) تا اثبات مسئله تسهیل گردد با این همه در مواردی که موضوع صلح، انتقال املاک است، عقد صلح در صورتی معتبر و قانونی است که در سند رسمی اعلام و در دفتر املاک ثبت شود (ماده - ۲۲ قانون ثبت املاک) اثبات صلح در این مورد با سند عادی نامقدور است و در دادگاهها تنها صلح نامه ای پذیرفته میشود که به صورت سند محضری باشد. تنظیم صلح نامه رسمی اثبات عقد صلح را آسان و عملی می سازد بدون آنکه وقوع مصالحه و توافق و گذشت های متقابل را نفی کند. از اینجا می توان نتیجه گرفت که عقد صلح خصیلت دوگانه ای دارد، در برخی موارد تشریفاتی و در پاره ای موارد غیر تشریفاتی است.

در دعاوی و مسائل بیمه ای نیز مصالحه از راه تنظیم «توافق نامه» صورت می گیرد ولی در عمل در مورد خسارتهای کوچک و متوسط کافی است که بیمه گذار با نظر کارشناس خسارت موافقت داشته باشد و در زیر گزارش کارشناسی امضاء نماید.

بنابراین سازش در امور بیمه ای اغلب غیر تشریفاتی است و این ترتیب با طبیعت این رشته که جنبه بازرگانی دارد سازگار و هماهنگ است.

۴ - عقد صلح یک عقد لازم است: به موجب ماده - ۷۶۰ قانون مدنی «عقد صلح لازم است اگرچه در مقام عقود جایزه واقع شده باشد و برهم نمی خورد مگر در موارد فسخ به خیار یا اقاله». برپایه این ماده طرفهای عقد صلح نمی توانند به میل

خود قدرت اجرایی ندارد و باید پس از رسیدگی صوری دادگاه و صدور اجرائیه به موقع اجرا گذاشته شود ولی این رأی با حفظ ویژگیهای خود، حکم است نه قرارداد.»

(رک به: حقوق مدنی جلد دوم مشارکتها - صلح، صفحه ۳۱۷ و ۳۲۳ تألیف دکتر ناصر کاتوزیان)

برای خاتمه دادن به اختلافهای ناشی از اجرای قرارداد بیمه و مراجعه کمتر به دادگاهها، بیمه گران نیز در قراردادها یا بیمه نامه های خود «شرط مصالحه و داوری» را می گنجانند تا در صورت بروز اختلاف موضوع به داوران ارجاع شود چنانکه ماده سی ام بیمه نامه بدنه اتومبیل می گوید: «طرفین قرارداد سعی خواهند کرد که کلیه اختلافات ناشی از این قرارداد را به طریق داوری حل و فصل کنند... نظر داوران قطعی و غیرقابل اعتراض است...»

همچنین در ماده پانزدهم شرایط عمومی بیمه نامه شخص ثالث آمده است که «... خسارت ظرف مدت پانزده روز از تاریخ توافق طرفین و در صورت ارجاع به داوری یا طرح در محاکم صلاحیتدار ظرف پانزده روز از تاریخ اعلام رأی قطعی داوران یا دادگاه صالح تصفیه می شود...»

شرایط صحت و درستی عقد صلح

بر پایه ماده - ۱۹۰ قانون مدنی «برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

۱ - قصد طرفین و رضای آنها

۲ - اهلیت طرفین

۳ - موضوع معین که مورد معامله باشد

۴ - مشروعیت جهت معامله»

تحقق شرایط چهارگانه فوق که ناظر به همه عقدها و قراردادها و معامله ها است در عقد صلح نیز ضروری و الزامی است.

۱ - قصد و رضا: وجود قصد (اراده حقیقی) و

رضا (اراده انشائی و خارجی) برای تحقق عقد یا قرارداد ضروری است بنابراین در صورتی که هنگام

و اختیار هر وقت خواستند آنها بهم بزنند بلکه تنها در موارد معین (شرط فسخ) یا از راه اقامه (توافق هر دو طرف) این عقد قابل گسیختن می باشد. از لازم بودن عقد صلح می توان چنین نتیجه گرفت که قانونگذار به استواری و استحکام این نهاد حقوقی توجه داشته و نخواست است که به عقد صلح، که تأثیر فراوان و گسترده ای در حل و فصل دعاوی و اختلافها دارد، موقعیت متزلزل و آسیب پذیری بدهد.

عقد صلح و قرارداد داوری (حکمیت)

در قرارداد داوری همانند قرارداد صلح، اختلاف و نزاع بین افراد به طور دوستانه مورد رسیدگی قرار می گیرد و حل و فصل می شود و حق مراجعه به دادگاه از بین می رود. در قرار داوری طرفهای اختلاف حل و فصل نزاع کنونی یا احتمالی را به اشخاص مورد اعتماد خود واگذار می کنند و متعهد و ملتزم می شوند که رأی داور یا داوران را به مرحله اجرا بگذارند و از مراجعه به دادگاه صرف نظر نمایند. رأی داوران بنابر سرشت خود و بر پایه اراده قاطع اعلام شده از سوی طرفهای اختلاف قاطع دعوا است. اضافه کنیم که طرفهای معامله یا قرارداد می توانند ضمن قرارداد داوری به داوران خود اختیار سازش و صلح نیز بدهند چنانکه ماده - ۶۵۹ قانون آئین دادرسی مدنی می گوید: «در صورتی که داورها اختیار صلح داشته باشند می توانند دعوی را به صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح نامه ای که به امضای داورها رسیده باشد قابل اجرا خواهد بود» در باره اینکه صلح نامه تنظیم شده از سوی داوران ماهیت قراردادی دارد یا حکم بشمار می رود، دانشمندان حقوق ما نظرهای گوناگونی ابراز داشته اند. آقای دکتر جعفری لنگرودی، این صلح نامه را نوعی قرارداد می دانند به دلیل آنکه ریشه در عقد صلح دارد، در حالی که آقای دکتر ناصر کاتوزیان، استدلال می کنند که «... داوران را نباید وکیل دو طرف دعوی پنداشت. اینان داوران انتخابی هستند: دادرسانی که اقتدار خود را از پیمان داوری می گیرند. رأی اینان نیز خود به

خدادادی دارای حقوق اند ولی همه انسانهای صاحب حق، ممکن است به دلایلی توانایی اعمال و اجرای حقوق خود را نداشته باشند. چنانکه ماده - ۱۲۰۷ قانون مدنی می گوید: «اشخاص ذیل محجور و از تصرف در اموال و حقوق خود ممنوع هستند:

۱ - صغار

۲ - اشخاص غیررشید

۳ - مجانین»

بنابراین اشخاصی که توانایی و صلاحیت لازم را برای اجرا و اعمال حقوق مدنی خود ندارند محجور (یا ممنوع) می نامند به همین جهت جامعه و قانون به حمایت از آنان برمی خیزد و از راه تعیین ولی یا قیم و سرپرست آنان را در اعمال و اجرای حقوق مدنی شان یاری می دهد تا حتی از آنان ضایع و سلب نشود.

اکنون ببینیم بحث اهلیت در پیوند با بیمه چگونه است؟

اهلیت بیمه گر: برای اشتغال به امر بیمه و فعالیت های بیمه ای قانون شرایطی را پیش بینی کرده است چنانکه ماده - ۳۱ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری می گوید: «عملیات بیمه در ایران به وسیله شرکت های سهامی عام ایرانی که کلیه سهام آنها با نام بوده و با رعایت این قانون و طبق قانون تجارت به ثبت رسیده باشند انجام خواهد گرفت»

بنابراین بیمه گری که فاقد پروانه تأسیس و فعالیت در رشته های بیمه باشد، فاقد اهلیت قانونی برای اشتغال به اعمال و فعالیت های بیمه ای است و اگر اقدام به صدور بیمه نامه یا قرارداد بیمه نماید، قرارداد او از درجه اعتبار ساقط است همچنین اگر بیمه گری ورشکسته باشد از تاریخ توقف، از مداخله در امور مالی و حقوق مالی خود ممنوع است و حق انعقاد قرارداد صلح را ندارد (آشکار است که این منع قانونی تنها از جهت حفظ حقوق بستانکاران تاجر ورشکسته است و نه از جهت عدم اهلیت قانونی تاجر) از آنجا که داشتن اهلیت یا صلاحیت برای اشتغال به فن ظریف و حساس و پیچیده بیمه گری

عقد صلح یکی از این دو عنصر یا هر دو آنها معدوم یا معیوب باشند عقد باطل است (رک به: حقوق مدنی، دکتر حسن امامی - جلد اول، ۱۳۳۵، دانشگاه تهران) مواردی که بطور معمول قصد و رضا را معیوب می کنند و موجب بطلان عقد می شوند عبارتند از اشتباه، اکراه و تدلیس ماده - ۷۶۳ قانون مدنی می گوید: «صلح به اکراه نافذ نیست» پس اگر کسی با زور و اجبار و ادا به مصالحه شود، صلح او نافذ نیست. عقد غیرنافذ عقدی نادرست و ناصحیح است ولی شخصی مکره می تواند آنرا تصحیح یا رد کند (تنفید یا رد) در مورد اشتباه، قانون صلح مبتنی بر اشتباه را باطل می داند چنانکه ماده - ۷۶۲ قانون مدنی می گوید «اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد، صلح باطل است»

به موجب این ماده، دو امر موجب بطلان صلح است یکی اشتباه در شخصیت طرف صلح و دیگری اشتباه در موضوع صلح بنابراین به نظر قانونگذار چون شخصیت طرف مصالحه علت عمده عقد صلح است پس اگر شخصی بطور اشتباهی طرف مصالحه قرار گیرد عقد صلح باطل است.

تدلیس: منظور از تدلیس به کاربردن شیوه های متقلبانه یا مانورهای فریبکارانه است برای فریفتن و گول زدن طرف معامله یا مصالحه. فرق اشتباه و تدلیس در این است که در مورد اشتباه یک طرف اقدام به گول زدن طرف نمی کند بلکه خود تصور نادرستی از امور دارد در حالی که در مورد تدلیس یک طرف از راه اعمال فریبکارانه و متقلبانه طرف دیگر را به اشتباه می اندازد و او را به انجام معامله یا مصالحه می کشاند.

(بطور نمونه در صورتی که بیمه گذار اسناد و مدارک جعلی ارائه دهد و برپایه آن در مورد علت و میزان خسارت با بیمه گر توافق و مصالحه نماید، این مصالحه از درجه اعتبار ساقط است)

۲ - اهلیت: منظور از اهلیت در اینجا، اهلیت استیفا یا توانایی قانونی برای اعمال و اجرای حقوق مدنی است همه انسانها به حکم طبیعت و خلقت

موقع تصفیه خسارتهای و دریافت رسید (مفاصا حساب) باید به سن و سال و احوال شخصیتی طرف توجه کنند. این موضوع به ویژه در مورد خسارتهای بدنی (بیمه حوادث اشخاص و بیمه شخص ثالث) در حالتی که عاقد قرارداد به هنگام بستن قرارداد بیمه سالم بوده ولی در موقع درخواست خسارت به علت حادثه ای دچار اختلال مغزی و روانی شده باشد، جالب توجه است.

همچنین، در بیمه حمل و نقل، در صورتی که معلوم شود درخواست کننده و گیرنده خسارت تاجر ورشکسته ای است، (صدور حکم ورشکستگی با دادگاه است) مصالحه او از درجه اعتبار ساقط است چنانکه ماده - ۱۸ قانون تجارت می گوید: «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر در تأدیه دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند»

همچنین ماده - ۲۳ قانون تجارت، معامله هایی را که تاجر بعد از توقف خود می کند باطل و بی اعتبار می داند (بطور مثال: هر مصالحه نامتعادل و حیله گرانه «صلح محاباتی»، هر گونه نقل و انتقال بدون عوض چه مال منقول باشد یا غیر منقول، هر تأدیه قرض و بدهی و هر معامله ای که به ضرر بستانکاران او تمام شود)

۳ - موضوع معین مورد مصالحه: مورد مصالحه یا موضوع عقد صلح بطور اصولی عبارت است از رفع اختلاف موجود یا جلوگیری از اختلاف احتمالی، بنابراین در صورتی که اختلاف و تنازعی در بین نباشد یا طرف مصالحه حقی نداشته باشد، عقد صلح فاقد موضوع بوده و از درجه اعتبار ساقط است. بطور نمونه در صورتی که پیش از انجام مصالحه، دادگاه به موضوع مورد اختلاف رسیدگی کرده و رأی قطعی داده باشد یا در صورتی که محرز شود یکی از طرفهای مصالحه هیچ حقی نداشته است، عقد صلح

مستلزم «احراز صلاحیت مالی و فنی مؤسسه و حسن شهرت مدیران...» آن می باشد (بند ۵ - ماده - ۳۸ قانون بیمه گری مصوب ۱۳۵۰)، می توان نتیجه گرفت که اگر میزان بدهکاری یک شرکت بیمه بیش از بستانکاری او باشد و به ویژه اگر مدیر یا مدیران آن فاقد اهلیت و صلاحیت فنی باشند (فقدان تخصص و مهارت و تجربه کافی در مدیریت بیمه)، شرکت مذکور صلاحیت و شایستگی لازم را برای جلب اعتماد مردم و عرضه و فروش تأمین و امنیت خاطر به آنان نخواهد داشت و بیمه مرکزی ایران مکلف است که در اجرای وظایف قانونی خود یا جلوی فعالیت چنین شرکتی را بگیرد یا مدیران صلاحیتدار و مجرب برای آن تعیین و پیشنهاد نماید.

اهلیت بیمه گذار: بیمه گذار ممکن است شخص طبیعی (حقیقی) یا حقوقی باشد.

در صورتی که بیمه گذار شخص حقوقی باشد (سازمانها و مؤسسه های دولتی و خصوصی، شرکت ها انجمن ها و ...) باید شرایطی را که قانون برای تشکیل مؤسسه ها، بنگاهها و نهادها لازم و ضروری می داند دارا باشد این گونه اشخاص در حدود اساسنامه و اختیار قانونی خود توانایی و اهلیت انعقاد قراردادها و عقدها (از جمله عقد صلح) را دارند اما در صورتی که بیمه گذار شخص انسان باشد، باید دارای اهلیت استیفا یا توانایی قانونی برای اجرای حقوق خود باشد بنابراین شخصی که در ردیف محجوران (صغیر - سفیه، مجنون) باشد به علت منع قانونی نمی تواند عقدهای را منعقد نماید در این صورت ولی یا قیم یا سرپرست قانونی به نمایندگی از سوی شخص محجور اقدام به بستن قرارداد از جمله قرارداد صلح) می نماید. بنابراین شخص محجور، نه می تواند قرارداد بیمه منعقد کند و نه اهلیت مصالحه و سازش در مورد خسارت وارد شده را دارد. هر گونه قرارداد بیمه، یا توافق او در مورد میزان خسارت از درجه اعتبار ساقط است به همین جهت بیمه گران به هنگام انعقاد قرارداد (بررسی پیشنهاد بیمه و قبول آن) یا در

باطل است به همین جهت ماده - ۷۶۷ قانون مدنی می گوید «اگر بعد از صلح معلوم گردد که موضوع صلح منتفی بوده است صلح باطل است».

۴ - جهت مصالحه :

ماده - ۷۵۴ قانون مدنی می گوید : «هر صلح نافذ است جز صلح بر امری که غیرمشروع باشد» منظور از امر غیرمشروع، کار خلاف قانونهای الزام آور یا آمره است که با نظم عمومی جامعه و اخلاق نیک پیوند استوار دارند. بنابراین در صورتی که مورد اختلاف راجع به اموال و حقوق مالی قابل انتقال باشد و جهت اظهار شده آن قانونی باشد می توان درباره آن مصالحه نمود. ضروری است اضافه کنیم که در عمل، طرفهای معامله یا مصالحه، جهت یا انگیزه خود را در خصوص انجام معامله یا مصالحه کمتر یا به ندرت بیان و تصریح می کنند. ولی اگر آنرا بیان کردند و جهت نامشروع یا غیرقانونی داشت، معامله یا مصالحه آنان باطل است.

آثار صلح و مصالحه در بیمه

بطور کلی، اثر مهم صلح، حل و فصل اختلافها و دعاوی میان افراد جامعه در زمینه های معینی است. صلح و سازش، همچون داوری و دادرسی (قضات) به دعاوی پایان می دهد و از این راه پیوندهای مادی و معنوی بین افراد را که به علت بروز اختلاف دچار اختلال شده تعادل و تداوم و استواری می بخشد و به ایجاد تعادل و آرامش مورد نیاز جامعه تا اندازه ای یاری می کند. فضای دوستانه و مسالمت آمیزی که در نتیجه اعمال شیوه «مذاکره - مصالحه» ایجاد می شود به تحکیم روابط بین بیمه گر و بیمه گذار و تداوم همکاری و همیاری آنان کمک می کند و تحقق اهداف آنان را که کسب تأمین از سوی بیمه گذار و اعطا و فروش تأمین و کسب منافع از سوی بیمه گر است ممکن و عملی می سازد. در هر صلح و سازشی یا حق موجود اعلام می شود و یا حقوق ادعایی مورد اختلاف با توافق و رضایت طرفها تعدیل می شود و طرفهای اختلاف از راه نشان دادن گذشت های متقابل (یا مبادله امتیازها) به

منظور خود دست می یابند اثر صلح و سازش طبق قاعده کلی حاکم بر قراردادها و عقدها، نسبی است (نسبی بودن آثار قراردادها) بدین معنا که آثار صلح متوجه طرفهای عقد صلح می باشد. با این همه گاهی اثر عقد صلح متوجه نفر سوم نیز می شود. بطور نمونه می توان در عقد صلح شرط نمود که یکی از دو طرف مصالحه مبلغی یا مالی به دیگری بدهد یا کاری برای ثالثی انجام دهد چنانکه ماده - ۷۶۸ قانون مدنی می گوید «در عقد صلح ممکن است احد طرفین در عوض مال الصلحی که می گیرد متعهد شود که نفقه معینی همه ساله یا همه ماهه تا مدت معین تأدیه کند این تعهد ممکن است به نفع طرف مصالحه یا به نفع شخص یا اشخاص ثالث واقع شود.» بطور مثال، در توافق و مصالحه ای که بین بیمه گر و بیمه گذار در خصوص تصفیه و پرداخت خسارت صورت می گیرد، ممکن است بیمه گذار شرط کند که مبلغ خسارت یا بخشی از آن صرف تأمین حق بیمه یک بیمه نامه عمر یا بیمه حوادث به نفع ثالثی شود. استفاده کننده از مزایای بیمه (نفر سوم) در صورت تحقق خطر موضوع بیمه (فوت بیمه شده یا حیات او) می تواند از سرمایه بیمه بهره مند شود.

فشرده آنکه، مصالحه و داوری به علت نقشی که در تسهیل روابط بین بیمه گر و بیمه گذار و صاحبان حقوق دارند و تسریعی که در گردش و چرخش امور بیمه ای ایجاد می کنند به روابط و معامله های بیمه ای بهبود و استواری می بخشد و از صرف هزینه (هزینه دادرسی و دفاع) و اتلاف وقت و بهر دادن نیروی کار و لطمه به شهرت تجارتي بیمه گران جلوگیری می کنند. ولی آشکار است که این وسیله و ابزار تسهیل و تسریع روابط و پیوندها نباید مورد سوءاستفاده قرار گیرد و بیمه گران را تشویق کند که به بهانه تسریع در تصفیه خسارتها، حقوق واقعی بیمه گذاران و بیمه شدگان و اشخاص ثالث زیان دیده را کاهش دهند یا ضایع کنند. این موضوع هم به هنگام تنظیم و امضای توافق نامه (صلح نامه یا سازش نامه) بین بیمه گر و

ایهام و نارسایی و سکوت قانون، از یکسو، و ناآگاهی برخی از بیمه گذاران و مراجعان، از سوی دیگر، ممکن است زمینه را برای تفسیر و تعبیرهای نارسا و نادرست فراهم سازد و موجب تباه شدن حقوق بیمه گذاران و بیمه شدگان و استفاده کنندگان گردد. به همین جهت تدوین یک قانون بیمه جامع، که دربرگیرنده اصول حقوقی بیمه های اشخاص نیز باشد، ضروری است (خوشبختانه این مهم مورد توجه مسئولان بیمه مرکزی ایران قرار گرفته است)

در پایان افزون کنیم که در تصفیه دوستانه و توافقی خسارتها می باید مسئله مورد اختلاف با رعایت منافع و حقوق بیمه گر و بیمه گذار (و بیمه شده و استفاده کننده یا ثالث) به نحوی حل و فصل گردد که از بروز مشکل های بعدی جلوگیری شود. تشدید خسارت (به ویژه تشدید خسارت های بدنی اشخاص مصدوم) پس از انجام توافق، گاهی موجب بروز اشکال و اعتراض می شود.

اقدام و تصمیم گیری عجولانه و شتابزده بیمه گر برای حل و فصل زودرس قضیه و کاهش دعاوی مصدوم، ناآگاهی یا ناتوانی مالی مصدوم و نیاز او به پول، ممکن است منجر به توافقی شود که به زیان مصدوم باشد. به همین جهت تا زمانی که وضعیت نهایی مصدوم تثبیت نشده و پزشک کارشناسی اظهارنظر قطعی نکرده باشد باید از مصالحه و توافق و اخذ مفاصا حساب خودداری کرد. در این گونه موارد بیمه گر می تواند مبالغی به عنوان پیش پرداخت برای رفع نیاز مصدوم بابت هزینه های درمان یا غرامت روزانه بپردازد و مبلغ قطعی خسارت را پس از انجام معالجه های لازم و اظهارنظر قطعی کارشناس پزشکی تعیین و پرداخت نماید یا آنرا موکول به صدور رأی داد گاه یا رأی داوران کند.

به هر صورت در مسئله تشدید خسارت پس از توافق باید میان حالتی که پرداخت بیمه گر برپایه توافق و مصالحه است و مواردی که تصفیه خسارت براساس رأی داد گاه است تفاوت گذاشت. به نظر

خسارت دیده و هم در موقع دریافت رسید خسارت (مفاصا حساب) دارای اهمیت است زیرا بطور معمول بیمه گران فرم رسید خسارت (مفاصا حساب) را خود در دو نسخه چاپ و آماده می کنند و به هنگام پرداخت خسارت در اختیار بیمه گذار یا بیمه شده (یا شخص ثالث زیان دیده) می گذارند تا امضا کند. به موجب این رسید گیرنده خسارت اعتراف و اقرار می کند که مبلغ فلان ریال بابت «تصفیه کامل خسارت» خود دریافت داشته و از هر گونه ادعای بعدی صرف نظر می کند و تمام حقوق خود را علیه مسئول خسارت یا مقصر حادثه به بیمه گر واگذار می نماید تا او بتواند به جانشینی بیمه گذار به مسئول حادثه مراجعه و مبالغ پرداختی را وصول کند. این ترتیب و روال در بیمه های اموال، که «اصل غرامت» و «قاعده جانشینی» بر آنها حاکم است، جاری می باشد بیمه های مسئولیت مدنی پیرو اصل غرامت اند ولی تابع قاعده جانشینی نیستند (بجز موارد استثنائی پیش بینی شده در قانون بیمه اجباری شخص ثالث مانند موارد عمد راننده در ایجاد حادثه یا فقدان پروانه رانندگی یا مستی راننده)

برعکس، در بیمه های اشخاص مانند بیمه عمر، بیمه حوادث بدنی (بجز هزینه های درمانی) که خصلت و سرشت غرامتی ندارند و به صورت سرمایه مقطوع و معین و تعهد شده ای هستند، بیمه گر حق ندارد رسیدی از بیمه گذار یا بیمه شده یا استفاده کننده دریافت دارد و جانشین گیرنده سرمایه شود تا به استناد آن به مسئول حادثه مراجعه کند و وجوه پرداختی را وصول نماید. چنین حقی طبق قواعد و ضوابط کلی و شناخته شده بیمه های اشخاص از بیمه گر سلب شده است زیرا که سرمایه بیمه خصلت مقطوع و معین و تعهد شده دارد و حق بیمه متناسب با تعهد مقطوع نیز محاسبه و دریافت شده و به ویژه آنکه ارزش انسان نیز قابل تقویم و ارزیابی به پول نیست.

متأسفانه این گونه ضوابط و قواعد به طور صریح در قانون بیمه ما پیش بینی نشده است و این

می‌رسد. زیرا که در بیمه‌نامه حوادث اشخاص نیز مسئله درجه از کارافتادگی و تشدید آن اغلب برای بیمه‌گران و بیمه‌شدگان مطرح می‌شود و موجب بروز اشکال می‌گردد.

شاید بتوان از راه وحدت ملاک و تشابه و همانندی موارد تشدید خسارت‌های بدنی، از شرط مندرج در بیمه‌نامه شخص ثالث (ماده پانزدهم) به نفع مصدومان مشمول قراردادهای بیمه حوادث بدنی نیز استفاده نمود.

منابع:

- ۱ - قانون مدنی
 - ۲ - قانون بیمه مصوب ۱۳۵۰
 - ۳ - قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران
 - ۴ - حقوق مدنی - دکتر ناصر کاتوزیان (مشارکتها، صلح) جلد دوم چاپ دوم، گنج دانش ۱۳۶۸
 - ۵ - حقوق مدنی - دکتر حسن امامی، جلد اول، دانشگاه تهران ۱۳۳۵
 - ۶ - شرایط عمومی بیمه‌نامه شخص ثالث، بیمه‌نامه اتومبیل، بیمه‌نامه حوادث اشخاص
 - ۷ - قانون مسئولیت مدنی، مصوب خرداد ۱۳۳۹
- Droit civil, Tom III, Transaction
(p.198) prof. julliot de la Morandiere
, Dalloz, paris 1958

می‌رسد که در حالت نخست اگر سازش و توافق قطعی باشد و مفاصا حساب از مصدوم دریافت شده باشد جای تجدید نظر باقی نمی‌ماند و بیمه‌گر تعهد اضافی بابت جبران تشدید خسارت (بطور نمونه تشدید درجه از کارافتادگی داریم) نخواهد داشت. اما در حالت دوم (صدور رأی دادگاه در خصوص خسارت مورد اختلاف) تشدید خسارت بدنی پرداخت‌های اضافی و تکمیلی را تجویز می‌کند.

در این زمینه قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ در شق آخر ماده - ۵ خود می‌گوید: «... اگر در موقع صدور حکم تعیین عواقب صدمات بدنی بطور تحقیق ممکن نباشد دادگاه از تاریخ صدور حکم تا دو سال حق تجدید نظر نسبت به حکم خواهد داشت.» به همین جهت نیز در ماده پانزدهم شرایط عمومی بیمه اجباری شخص ثالث پیش‌بینی شده است که «... خسارت ظرف مدت پانزده روز از تاریخ توافق طرفین و در صورت ارجاع به داوری یا طرح در محاکم صلاحیت‌دار ظرف پانزده روز از تاریخ اعلام رأی قطعی داوران یا دادگاه صالح تصفیه می‌شود. هنگام تصفیه قطعی خسارت کلیه مبالغی که قبلاً بیمه‌گر بابت همان حادثه پرداخته است از مبلغ نهایی کسر خواهد شد» گنجاندن چنین شرطی در بیمه‌نامه حوادث اشخاص باتوجه به همانندی تأمین خسارت‌های بدنی در بیمه شخص ثالث و بیمه حوادث بدنی، ضروری به نظر